

## روایت است

محمد رودگر گفت: برخی می‌گویند مهمترین مولفه داستان، شخصیت است که داستان را تشکیل می‌دهد و باعث ارتباط با مخاطب می‌شود، ولی برخی هم دیالوگ یا فضا یا حتی احساس درونی را مولفه اصلی می‌دانند اما از نظر من مهمترین مولفه «روایت» است.

نشست تخصصی «چپستی روایت ایرانی» با حضور محمد رودگر، پژوهشگر و استاد تمام پژوهشگاه امام خمینی (ره) و نویسنده کتاب «رنالسیسم عرفانی»، «ابرشهر» و «کیمیای کرامت» در سالن صفارزاده حوزه هنری برگزار شد. این نشست حاصل همکاری نشر صاد، آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، دفتر داستان حوزه هنری و پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی بود.

در این نشست، محمد رودگر به عدم وجود روایت در ادبیات داستانی نویسنده‌های ایرانی و مقایسه روایت غربی و ایرانی اشاره کرد. رودگر گفت: «برخی می‌گویند مهمترین مولفه داستان، شخصیت است که داستان را تشکیل می‌دهد و باعث ارتباط با مخاطب می‌شود ولی برخی هم دیالوگ یا فضا یا حتی احساس درونی را مولفه اصلی می‌دانند؛ اما از نظر من، مهم‌ترین مولفه «روایت» است. برای دانستن تعریف روایت، تعریف واقعیت لازم است و برای دانستن تعریف واقعیت، نیاز به فهمیدن حکمت و فلسفه است. و این دانستن واقعیت کم‌کم خود را در عناصر داستان نشان می‌دهد.

علاوه بر این که روایت واقعیت است، از چپش حادثه‌ها شکل می‌گیرد و در قلعه هرم داستان است و تمام مولفه‌های داستان و رمان حول روایت می‌چرخد. در ادامه رودگر از رمان غربی و روایت غربی گفت که اولین آن رمان دین ستیز «دن کیشوت» است.

او همچنین به روایت «گلدسته و فلک» جلال‌آل احمد، به عنوان روایتی با نمادهای کاملاً ایرانی اشاره کرد. رودگر با طرح این سؤال که واقعیتی که در فرهنگ روایی ایرانی داریم کجا باید کشف شود، بیان کرد: «ما باید به روایت بومی واثر انگشت نویسنده ایرانی در رمان‌ها برسیم و بعد باید بگویم واقعیتی که ارائه می‌دهیم چه جور واقعیتی است و بعد باید به دنبال روایت‌های پیش از خودمان بگردیم که آنها با واقعیت چه برخوردی داشته‌اند. باید روایت بومی خودمان را از گذشته برداشت کنیم. رودگر عشق، پول و جاه و مقام را موضوع کشمکش‌های داستان‌های ایرانی معرفی کرد که در حال تغییر است. وی با تاکید بر این که نویسنده باید به شیوه روایی بومی برسد، گفت: روایت برگرفته از واقعیت است و باید دید که رنالیسم مورد نظر داستان نویس ایرانی را کجا می‌توان کشف کرد که این امر هم با خواندن متون رنالیسم روایی محقق می‌شود.

این گفت‌وگوها در موضوعاتی چون روایت ایرانی، نمایش معنا، حماسه و اسطوره با حضور اساتید دیگر ادامه دار خواهد بود.



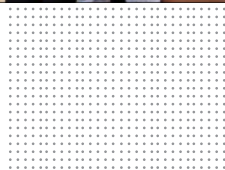
«تب خشکسالی» نوشته علی... سلیمی رونمایی شد

## توصیف دقیق و ملموس محیط روستا



## خدا مردم را فراموش نکرده

علی... سلیمی هم در این نشست گفت: «در این داستان یک بحران محیطی مدنظر من بود و این بحران زیست محیطی به بحران‌های انسانی هم دامن زد. ایده هم از زمانی که من به ولایت خمسه رفته بودم شروع شد و باروستاهایی که در آنجا بدون آب و یا خالی از سکنه بودند روبه‌رو شدم. به فکر پایان داستان هم بودم اما زمینه‌ای که در نظر گرفته بودم، مضمون ناامیدی داشت و این که همه مردم ناامید هستند اما در آخر ابر و رعد و برق‌هایی ظاهر می‌شود که این مفهوم را برساند که خداوند مردم را فراموش نکرده است. و این زمین‌ها احیا می‌شود و سرسبزی‌شان برمی‌گردد.»



## اثر آقای سلیمی

## نثر خوبی دارد و

## یکی از نقاط قوت

## کار، توصیف زنده

## خشکسالی است؛

## با این حال می‌شد

## این توصیفات

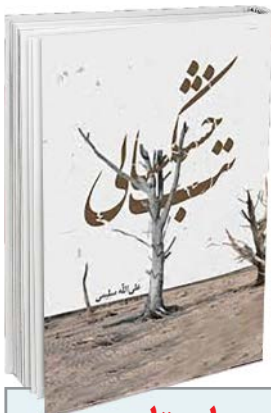
## هوشمندانه‌تر

## و با جملات

## کوتاه‌تری باشد

## که به روند کار

## کمک کند



## روزنامه‌نگاری و تدریس داستان

علی... سلیمی، متولد شش فروردین ماه سال ۱۳۴۷ در روستای «توپ‌قره» از توابع شهرستان خداآینده، در استان زنجان است. وی در سال‌های پایانی دهه هفتاد با شرکت در کلاس‌های داستان‌نویسی حوزه هنری وارد جگره نویسنده‌گری شد و داستان‌های اولیه او، در نشریات ادبی آن زمان به چاپ رسید. اولین مجموعه داستان مستقل وی با عنوان «زنی شبیه هوا» در سال ۱۳۸۴ توسط نشر قور در تهران چاپ و منتشر شده است. دومین مجموعه داستان او با عنوان «باران جنوب» در سال ۱۳۸۷ از نامزدهای دریافت جایزه ادبی شهید حبیب غنی‌پور در بخش داستان دفاع مقدس بوده است. سلیمی در سال ۱۳۸۸ به عضویت انجمن قلم ایران درآمده و سه دوره بازرسان انجمن قلم ایران بوده است. او در حال حاضر در تهران به کار روزنامه‌نگاری و تدریس داستان‌نویسی مشغول است.



## استفاده از نمادها

«نقطه‌قوت دیگر، استفاده از نمادها است.

به طور مثال، آب که نماد زندگی است و حتی مادر چاه. مفاهیم زیرپوستی هم در این کتاب وجود دارد که بخشی از آن به زوال اخلاقی اشاره می‌کند، مثل کسانی که از موقعیت پیش آمده در روستا سوءاستفاده می‌کنند و زمین‌ها را می‌خرند. یکی از ویژگی‌های داستان‌های بومی پرداختن به آئین‌ها است که نویسنده در این کتاب مطرح نکرده است.